

آلکسیویچ بزگزیده جایزه ادبی آلمان

- مصطفی بیان**

بلاروس سرزمینی کوچک با ده میلیون جمعیت که با کشورهای روسیه، اوکراین، لهستان، لیتوانی و لتونی هم مرز است. این کشور در پی فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، استقلال خود را به‌عنوان جمهوری بلاروس در ۲۵ اوت ۱۹۹۱ اعلام کرد.نمایشگاه کتاب فرانکفورت، بزرگترین رویداد ادبی خود را برگزار کرد و همچون سال‌های گذشته به طور سنتی و با حضور رئیس‌جمهور آلمان و اشخاص سیاسی و فرهنگی جایزه ادبی آلمان را به‌نویسنده‌ای ازبلاروس اهدا کرد.این جایزه بیست و پنچ هزار یورویی از سال ۱۹۵۰ همه‌ساله در نمایشگاه کتاب فرانکفورت برگزار می‌شود و جزء بزرگترین رویدادهای ادبی آلمان است. انجمن ادبی کتاب فرانکفورت اعلام کرد: «این جایزه به نویسنده‌ای اهدا می‌شود که با قلم خود زندگی و تجربیات احساسی، غم آلود و سخاوتمندانه

بیاورد.نشه برای صلح موثر در فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی را با بیانی ملموس، «خانم «سوتالا آلکسیویچ» (Svetlana Alexievich) نویسنده، روزنامه‌نگار و محقق ادبی از سوی انجمن ادبی کتاب فرانکفورت، برگزیده جایزه ادبی آلمان ۲۰۱۳ (German literary prize) شد. سوتالا متولد ۳۱ می ۱۹۴۸ در شهر اوکراین است. پدرش بلاروسی و مادرش اوکراینی است. وی در بلاروس بزرگ شده و پس از اتمام تحصیل از دانشگاه دولتی بلاروس در رشته روزنامه‌نگاری به‌عنوان معلم و روزنامه‌نگار مشغول به کار است. سوتالا به‌عنوان روزنامه‌نگار حرفه‌ای از سال ۱۹۷۶ در مجله ادبی Nemanبه مصاحبه وروایت شاهدان تلخ‌ترین حوادث مانند جنگ دوم جهانی، جنگ شوروی در افغانستان، سقوط اتحاد جماهیر شوروی و فاجعه چرنوبیل پرداخت‌حاصل ۲۰۰۰، بلاروس را ترک کرد و به مدت

۱۱ سال در پاریس، برلین و کوپنبرگ زندگی کرد. سال ۲۰۱۱ به رغم مخالفت با سیستم دیکتاتوری در بلاروس به اجبار برای زندگی به مینسک (پایتخت بلاروس) رفت. سوتالا آلکسیویچ، اولین کشایی را با نام «روایت جنگ» در سال ۱۹۸۵ منتشر کرد. این کتاب به سرنوشت سربازان زن شوروی در جنگ دوم جهانی پرداخته شد و بارها و بارها تجدید چاپ و بیش از دو میلیون نسخه به فروش رفت.کتاب «آخرین شاهدان» ریاساس خاطرات شخصی از زمان جنگ توصیف می‌کند. جنگ دیده را از طریق نگاه زنان و کودکان با توجه به سقوط جماهیر شوروی و احساس جدایی‌ناپذیر از ایدئولوژی کمونیستی و بدرفتارن نظام جدید، توصیف می‌کند.کتاب سومش با نام «سیران به شکل رومی» که شامل مصاحبه با مجروحان جنگ شوروی در افغانستان است که انتشار این کتاب باعث شد در سال ۱۹۹۲ در دادگاه‌مینسک برای توضیح واقعیت‌های تلخ جنگ احضار شود.کتاب‌های سوتولا به‌عنوان یک واقعیت تاریخی به صورت ادبی شرح داده شده است. آثار منتشر شده او به صورت کتاب و مقاله براساس مصاحبه با صدها نفر از سربازان و خانواده‌های آسیب دیده از جنگ‌ها و به‌ویژه بحران هسته‌ای در چرنوبیل است.کتاب‌های سوتالا در بسیاری از کشورهای غربی، از جمله آمریکا، آلمان، ژاپن، هند (به حوه ایران) به بیش از ۲۰ زبان زنده منتشر و از سوی خوانندگان و منتقدین مورد تحسین و ستایش قرار گرفته است. در کارنامه‌ی «سو سوتالا آلکسیویچ» جوایز ادبی مهمی را می‌توان دید. مانند جایزه ادبی اوستروفسکی، اتحاد جماهیر شوروی (۱۹۸۲)، جایزه ادبی فدین، اتحاد جماهیر شوروی (۱۹۷۵)، جایزه نین تاچولسکی سوئد (۱۹۹۶)، جایزه پرژویزی روسیه (۱۹۹۷)، جایزه فریدریش ایبرت (۱۹۹۸)، جایزه هربر (۱۹۹۹)، جایزه صلح اریش ماریا (۲۰۱۱)، جایزه منتقدان آمریکا (۲۰۰۵)، جایزه ادبی اروپای مرکزی، لهستان (۲۰۱۱) و جایزه کتاب تجارت آلمانی (۲۰۱۲). سوتالا خود را یک نویسنده مستقل می‌داند و معتقد است «ترس» بخش بزرگی از زندگی‌یازده مرتب بیست و یکم قرار گرفته است. در واقع جاده‌ی یازده مصتایم می‌توانست در کشور‌های دیگر هم رخ دهد. تصویرکننده ایستگاه‌های اتمی استرالیامنجر شود و باران رادیواکتیو به جان مردم بپاشد.چه اتفاقی رخ خواهد داد؟ در پاسخ تمام جهان امروز ما در معرض خطر است. ترس از بخش بزرگی از زندگی ما انسان‌های گرم زمین را تا فرا گرفته است. روسیه نمونه‌ای کوچک از تجربه تلخ مردم رنج‌کننده است. «سو سوتالا آلکسیویچ» نویسنده ۶۵ ساله و برگزیده جایزه ادبی کتاب آلمان معتقد است: «اگر شما به تمام تاریخ نگاه کنید، فکر نمی‌کنم چنان‌ها به و حمام خونی که چه قیل و چه بعد از فروپاشی شوروی توسط جلاان صورت گرفت، دیده باشید و کسی که باید سرنوشت خود کویست؟ و این تاریخ تلخ معاصر ماست که موضوع کتاب‌هایم است.»

سوتالا آلیکسیویچ

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

سوتالا آلیکسیویچ در جشنواره ادبی آلمان

کتابی درباره خاطرها و دیدگاه‌های نجف دریابندری می‌شود. خاطره‌های نجف دریابندری همراه با دیدگاه‌های این مترجم و منتقد پیشکسوت درباره موضوع‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در کتاب «یادداشت‌های روزانه» سی روز با نجف دریابندری» در نشر نگاه منتشر خواهد شد. دریابندری که چند سالی است در پی عرضه مغزی کم‌کار شده است، در این کتاب به پرسش‌های مهدی مظفری ساوجی پاسخ داده است.کتاب حاصل نشست‌هایی است که دریابندری در آن‌ها از مسائل مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و بخشی از خاطرات خود حرف زده است.

کتابی درباره خاطرها و دیدگاه‌های نجف دریابندری می‌شود. خاطره‌های نجف دریابندری همراه با دیدگاه‌های این مترجم و منتقد پیشکسوت درباره موضوع‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در کتاب «یادداشت‌های روزانه» سی روز با نجف دریابندری» در نشر نگاه منتشر خواهد شد. دریابندری که چند سالی است در پی عرضه مغزی کم‌کار شده است، در این کتاب به پرسش‌های مهدی مظفری ساوجی پاسخ داده است.کتاب حاصل نشست‌هایی است که دریابندری در آن‌ها از مسائل مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و بخشی از خاطرات خود حرف زده است.

گفت‌وگوی آرمان با «باب‌محب» به بهانه انتشار ترجمه زمین پست و رمان گرسنگی از هرتامولر در ایران

تلاش کرده‌ام به زبان و محتوا وفادار بمانم

ماهر غلامحسین پور



◊ شما در ترجمه زمین پست به اصل قصه و هر تا مولر اهدا شود با آثار وی آشنا شدم. کتاب «شاه کرش می‌کند و می‌کشد» ناخودآگاه مرا به ذهنی این نویسنده کشاند. او در این کتاب بحثهایی موجود در رومانی را ترسیم می‌کرد، دنیایی که از خفقان، ترس و خیانت و شکست‌انگده است. جایی خواندم هر تا مولر می‌گوید: «من می‌نویسم زیرا می‌ترسم.»

در کار ترجمه همیشه چیزی از دست می‌رود و این مصاحبه را به فارسی ترجمه کردم. علاوه بر این یکی دو داستان کوتاه‌تازین از وی ترجمه کرده‌ام که در مجله «باران» منتشرشد. همه اینها مقدمه‌ای شد تا به ترجمه آثار این نویسنده بپردازم و جلب نحوه نگاه مولر به مسائل پیرامونش، به روستایش، به مادرپرزشش و به دیکتاتوری حاکم و مأموران باج‌جویی شوم.

جامعه لهستان با تنگناها و گرفتاری‌هایش در آثار هر تا مولر مرز مباح موضوع اصلی است و تاثیر عمیقی بر نگاه و روش وی گذاشته. علاقه دارم از این تاثیر و زبان شاعرانه این نویسنده بگویم؟

موفقاً کیند ققدر ظریف و ساده یک تصویر خشک و بی‌رحم را در داستان «خطابه مراسم خاکسپاری» ترسیم می‌کنند: «هردی عصبانیش را به سنگ بزرگی تکیه داد. حال تشنگ آ‌ماده بود، او تیری خلاص کرد به یک آستین. آستین جلومی‌پایم به زمین نشست، سرشار از خون، مدعوین خاکسپاری کف زدند.» یا اینجا در این جمله‌ها و عبارت‌ها:«او گفت: بقیه درمز سیاه خواهم پوشید. با یک سرگیس در آن آتش زد، اگر عازمی گیس از این سسر می‌زن تا آن سر میز، گیس مثل یک فیتله سوخت. آتش گیس را لیس زد و بلعید.» این نحوه بیان، کار شاعر است.

زبان خانم مولر شاعرانه است و شاید این یکی از دلایلی باشد که قلم او مرا به خود جلب کرده است. اگر این جادوی زبان نیست پس چیست؟ به اعتقاد من من این جادوی زبان است. نحوه نگارشش که من خواننده را سحر می‌کند. «گیس» و «آستین» هر یک نمادی هستن با معناهای درونی. اشاره‌هایی دارند به گوشه‌هایی ناگفتی.

◊ آیا عمدتاً کارتان را پس از ترجمه بازخوانی هم می‌کنید؟

چندین بار، چون همیشه می‌ترسم نکند جایی خطا کرده باشم. و این ترس از نوعی خاص است. سایه آن تا سالیان سال رهایم نمی‌کند.

پیش آمد که در هنگام ترجمه این دو مجموعه به گرهی برخورید که برای فهم روایت یا داستان نیازمند مراجعه به سایر منابع یا مآخذ باشید؟

نه، مگر یکی دو اصطلاح آلمانی که با یاری دوستی آلمانی زبان مشکل حل شد. این قضیه در موردِ ترجمه «گرسنگی و ایریشم» نیز صادق است.

خاطرها و دیدگاه‌های نجف دریابندری

کتابی درباره خاطرها و دیدگاه‌های نجف دریابندری می‌شود. خاطره‌های نجف دریابندری همراه با دیدگاه‌های این مترجم و منتقد پیشکسوت درباره موضوع‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در کتاب «یادداشت‌های روزانه» سی روز با نجف دریابندری» در نشر نگاه منتشر خواهد شد. دریابندری که چند سالی است در پی عرضه مغزی کم‌کار شده است، در این کتاب به پرسش‌های مهدی مظفری ساوجی پاسخ داده است.کتاب حاصل نشست‌هایی است که دریابندری در آن‌ها از مسائل مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی و بخشی از خاطرات خود حرف زده است.

پیش تر هم کتاب «گفت‌وگو با نجف دریابندری» توسط مظفری ساوجی در انتشارات مروارید به چاپ رسیده است. نجف دریابندری متولد اول شهریورماه سال ۱۳۰۸ در آبادان است و «پیرمرد و دریا»، «ارنست همینگوی»، «بیگانه‌ای در دهکده» و «هکلبری فین» (مارک تواین)، «پیامبر و دیوانه» «جبران خلیل جبران»، «گرنابه» و «بیلی باتکیت» (دکترف)، «یک گل سرخ برای امیلی» و «گور به گور» ویلیام فاکنر و «تاریخ فلسفه غرب» برتراند راسل از جمله ترجمه‌های او هستند.

نقد

واکاو کوک تهران

- سریا دادوی حمله**

مهرنوش قربانعلی‌سا کتاب‌هایی نظیر «در ناتمامی خود» ۱۳۷۷(نشر-توکا) و «راه به حافظه جهان»۱۳۸۰(نشر-نگاه سبزی) و «تبصره»۱۳۸۴(نشر-اوریج) و «به وقت البرز»۱۳۸۶(نشر-آهنگ دیگر) و «کوک تهران» نشرآهنگ دیگر... حضور فعال و پرزگی در ادبیات دارد. «کوک تهران» پیوند عقلانیت و ذهنیت در تقابل با تئوری بازی‌های کلامی است. فضای ما آلود پارادوکسیکال، آلمان‌های مضمونی، چندلا یکی‌های تقابلی، بافرآینزی واقعیت‌ها صورت وانمودهای از زیانیت شعر و چالش مدرنیسم و پست مدرنیسم است. بینا منتبت در محور برجستگی بیشتری دارد. نحو شکنی ساختاری در فرم یک زبان نمود پیدا می‌کند. روایت‌هایی با فرم نثر که بخشی از عقلانیت مدرن را به چالش می‌کشد. در متن‌های قربانعلی ساختار زبان، لحن، فرم، محتوا خاستگاه پست مدرنیزم نیست بلکه بهرگونگی از هیچ‌انگاری شاید بی‌اعتباری فرار روایت‌هاست. که به عادت‌زدایی و بیان ایمانیستی علاوه بر فانتاسیک شورش علیه زبان روایی متن است. «کوک تهران» نمایي از گزاره‌های تلویحی در دوسویگی ذهن و عین است؛که پارادوکس‌های پیدا و پنهان(تقریبه‌گویی) بین بندها مستطاک ایجاد می‌کند. استعلا و تکامل شعر قربانعلی در حوزه‌معنایی فاقد پیگانگی ساختاری است؛در این تعین با فضای سورئالیستی و رویکردهای اجتماعی و شیوه نوشتاری روایی –تصویری بنیان نهاده است. در بازنمایی نشانه‌ها، تمهیدات زبانی و هنرچاشنک‌های تصویری – روایی و با اجراهای غیرمتعارف گام در راه کشف لایه‌های زبانی گذاشته است. پله‌های پیچیده به مارها، امهرها است؛ پیچیده به پله‌ها این همه هشدار را قدم‌هایی پشت سر گذاشته‌اند؛به کوتاهی خواب‌ترزبان فکر نمی‌کنند؛هوی شاهنامه، برم داشته است؛به سرزمینی دیگر که سری‌گذاری رقص غریبه‌ها عوض می‌شود؛با ضربی دیگر ابهرها پاکوبی می‌کنند؛او منبعی که لب‌ت او دوتخته بود؛است و پایش راگم می‌کند. ۶۳.نقد تاوایی «کوک تهران»انگاره ذهنی روایی ماهیتی پارادوکسیکالمتکثر ایجادمی‌کند.شاعر نمایندیمصداهای مختلف تاریخی، اسطوره‌ای، نمایشی،نت‌وکوک‌های موسیقایی و روایتی است؛ که این تناقض و تضادهای دیالکتیکی و آفرینندگی ساختاری غلبانین بر نظم جهان هستی است. «کوک تهران»جز متن‌های نوشتنی که باهره‌گیری از ظرفیت‌های زبانی، شگردهای اجرایی، چند صدایی، الگوهای ذهنی و آلمان‌های تصویری ساختار تاوایی شعر او برجسته نشان می‌دهد. مولفه‌های عدم قطعیت و نشانه‌شناسی جزء عناصر ساختاری متن است.

تعلیق و تشکیک زبانی «کوک تهران» تاویل و تامل برای‌انگیز است؛و رویکرد به مولفه‌های فرآینابی و فرآزمانی کله ضد روایت‌های شعریی است که عمدتاً با انتزاعی شدن زیانیت نحو را به هم می‌ریزد؛گرچه نشانه‌ها جاشیناساختارمعنایی اند اما این کلی نگری نوسان‌های تقابلی دارد. شگردهای کلامی در حوزه فرآینابی و فرامکانی و شگردهای روایتی در محور تاوایی‌های نحوی زاویه‌دار است. ساختار معنایی «کوک تهران» با خوردسرستی و خودشنیفنگی عینی به سمت تقابل‌های پارادوکسی می‌رود؛پس از بی‌پای می‌پیچی،خیلی‌لیای باشد؛گرهای امهرها را دارم/نه لیلی‌اندیمه‌هایم مگس‌ها را می‌پرانند/و رستم جزبه شکار شیر نمی‌رود/ص ۵۹.در «کوک تهران» تلمیمحاث و اشارات در آفرینه‌های تصویری نمودی فراعینتی‌پیدامی‌کنند؛گزاره‌های ناسازگون‌راکارکودهای زبانی شعر قربانعلی است.این ترس دربخش «در فریاند حضور و غیبت ساختاری، تصاویر متعدد ایجادمی‌کند.نما و کلوزآپ‌ها قابلیت اندیشگی در سطح مختلف لایه‌های محتوایی را دارد. گسست تام و تمام شعر در تقابل‌های «روایی و غیر روایی» و «بود و نبود»، «هست و نیست» و «هنجار و بی‌هنجاری»، «هتن و بی‌همانیت» و «آیند و ضد روایت» و «فاعلیت و مفعولیت» پارادوکس‌های پیدا و پنهان می‌آفریند. گزاره‌های نُرْم شکنانه و روایت کلاَن بی‌همانیت نوعی کلیت نگری در «کوک تهران» است.درحوزه تقابل و تعامل بندها بیچیدگی تعدعی و تلفیق‌ات دلخواهی را به تصویری‌کشد. عزیزم، آلسیا! اکنون که با تو باهم می‌نویسم،آرد ب قدر پرجم سفید تکان داده‌اند، قلله‌ها که یک بغل صلح جمع کرده‌ام به سلالیدی با تئزینتی جادویی فکر می‌کنم.اگر از احوال‌گویمایشا برای پیش مرگی رویاهایی که جمع کرده‌ام دوباره حاضرم شدتکنی کنم/اخلاقم را که حدس می‌کنی لاکر جای بیسیرف بودم یا خودم را پرت بر می‌کردم

دره‌ایصخره‌را می‌ویبدم برس…ص ۳۷.خردسئیزی جزء معاصرگی است که در شعر نمودار می‌دارد؛ رویکردهای توصیفی و گزاره‌های نمایشی گاه در دو سه بند تعلیقی تاریخی – اسطوره‌ای وجود می‌آورد، قربانعلی در عین‌حزیر از یافتار زمانی‌متهورانه به مصاف فرآینشی روایت‌ها هفت است؛تقابل (تضاد،مطابیه، هزل و مراعات نظر)با ارجاجات روستاختی نمود پیدا می‌کند و متن گرفتار به بحران‌هنجارها در نکره تاویل پذیری زمانمند و زبان‌مند است. در ریخت‌شناسی اثر عناصر تصویری متوازی با عناصر نحوی است… در این رفتارند زمانی، مکانی زبان در پی کشف هویت متن است،نوع روایت در متن برجسته‌تر از دیگر عناصر است،من عنصر روایت را یک کاراکتر می‌دانم که ساختار زیانیت قوام می‌دهد؛زبان ایمازیستی درنظام زیباشناختی ابعادمتعددی دارد.فضاسازی‌های ابهامی، لایبرنت وار و رازآمیزند، شگردهای ساختاری یا بافت زبانی شعر استوار است.لحن گزارشی «کوک تهران» با گزاره‌های هستی‌شناسانه و ارجاجات درون متنی تعمیم‌هایی به تاریخ و اسطوره می‌زند.ولی رکن اصلی ساختار متن انتقادی وکنایی است؛تاکیدبر سوبه‌های افراطی و رویکردهای فرامنتی نمایانگر تقابلی نسبتب ذهنیت و زیانیت و ابهام و ابهام‌بین‌های استدلالی در تصاویر زبانی است.قربانعلی با استعاره‌های پیچیده مرتب تغییر پارادایم می‌دهد؛ در عقل سئیزی و بی‌عقلی به نقد عقل می‌پردازد، اندیشه تئوری درذهنیت قربانعلی معطوف به ساختار هر متونیک است. پارامترهای روایی

در لایبرنت‌های ذهنی شاعر تنیده شده اند.هر بخش «کوک تهران» فضای متفاوتی دارد؛ شاعر خواسته سازه‌های ناگورک را کوک کند؛ اما با زبان پریشی به سمت ساختار نامفهومی می‌رود و از بویایی و درک شهودی شعر دور می‌شود. شاعر ذهنیتی نظریه پردازانه دارد و کمتر در قید اصول شعری است؛از زوایای پنهان شعر گسیخته‌گی زبان و ساختار شکن (فند ساختار) است؛ودانای کلی است که باتعلیق ساختارمعنایی انگاره‌های سورئالیستی پارادوکسیکال بوجود می‌آورد؛ با دید معتدل بایا گفت؛ در «کوک تهران» لحن و موسیقی زبان‌مشکل از عناصر ساختاری-سروایی است،ولی در کنار چند صدایی گاه‌صداها مزاح‌هم شنیده می‌شود.ساختاربیانی شعرها منوط به دانسنگی مخاطب است؛این پیچیدگی نوعی فریبندگی مخاطب و یک چینش ساختخی در راستای گریز از منتبت است. گرچه با گزاره‌های توصیفی صدا و لحن عوض می‌شود، اما درک ساختاری شعرها نسبی است؛ زیرا متن نسبت به سطح درک مخاطب متغیر می‌نماید. در این نوع متن (شعریت)شاعر عبارانسنگی خود را به رخ مخاطبی می‌کشد؛بی شک دریک آفتی (حکم آفتی) بافتار ساختار معنایی از جانب خواننده است.به هم ریختن ساختار نحوی معنای همیشه الزام به معصاف فرآینشی روایت‌ها نیست؛ افراط در بی‌هنجاری‌های متنی تلاش علامه‌اند‌های برای رویکرد نظری متن است. در این تعین‌های تاریخی روای کارشگری است که تجربه‌های فرامنتی را از وضعیت معتدل و محتاط خارج کرده است و با این نیتج افراطی درگیر فرم و بازی‌های کلامی می‌شود. روایت‌ها با لحن متجا

می‌کنند و نمای کلی ساختار متن به هم می‌ریزند؛زیر روایت‌های غیرروایی قیاسی از ارجاجات مکانی و معنایی است.رفتارهای متفاوت درمحوریت زبان،لحن،فرم و بازی‌های با تقطع متفاوت که فقط به حد معنایعناجر می‌شود؛گرچه شاعر آینده شان را پیش سر گذاشته‌اند.امهرنوش قربانعلی سنگنی بر حوضچه شعر ضدروایتی- ساختاری انداخته که دایره‌های متحدالشکل دناارد.



آثار هم نقد می‌نویسند. اما نقد ناشنحی مهم‌تر از نویسنندگی باشد و نوعی خلق دوباره است و برای نقد نوشتن نویسنده باید علاوه بر داشتن دانش نوشتن، نظریه به‌هم بدهند. چون باید بداند از چه منظری به نقد می‌پردازد. اما متأسفانه اکنون نقد ادبی ما حساب و کتاب ندارد. وقتی در سیستمی منتقد بین ریحوندنده‌ها درست تعریف نشود، نمی‌تواند کار خودش را خوب انجام دهد. هرچون نقد می‌شود و خلاصه‌ها داستان به جای نقد خوانده می‌شود اما این‌ها که نقد نیست. نیکتام همچنین درباره این‌که گفته می‌شود نقد ادبی ما رفاقت‌زده است، اظهار کرد: واقعیت این است که رفاقت کلمه درستی نیست؛ معنی دوستی از آن به ذهن می‌رسد. اکنون روابط دارد همه کار می‌کند. رفاقت یعنی دوستی و این واژه فاجعه‌ای را که در حال رخ دادن است، تملیف می‌کند. اما واقعیت این است که در فضای ادبی ما این‌گونه شده که یکی ناشر می‌شود، یکی نویسنده و یکی هم در مطبوعات کار می‌کند و یک مثلث شکل می‌گیرد که همه‌دیگر را تأیید می‌کنند و شبکه‌ای شکل گرفته که سلامتی نقد و کتاب محل شک است و مخاطب حق دارد با دیده تردید به کتاب‌هایی که منتشر می‌شود، بنگرد.

^[1] آداب‌ها و دیدگاه‌های نجف دریابندری می‌شود

^[2] آداب‌ها و دیدگاه‌های نجف دریابندری می‌شود